



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام
سال پنجم / شماره هفدهم / پاییز ۱۴۰۲



10.22034/icrs.2023.189533

فرهنگ و تمدن اسلامی مالایی‌ها و تأثیرگذاری آن بر هویت

سیاسی-اجتماعی مالزی

محمد سجاد شیروودی^۱

(۳۰-۵۲)

چکیده

مالزی یکی از کشورهای پیشرو اسلامی است که می‌کوشد با یادگیری تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی خویش نسبت به بازسازی هویت دینی جامعه‌ی مسلمان خود اقدام نماید. تبیین و شفاف‌سازی این یادگیری برای همه‌ی دانشجویان، نخبگان و کارگزاران حکومتی مالزی جهت رشد و توسعه‌ی بیشتر ضروری است. پژوهش حاضر از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری به همراه یک نگاه (رویکرد) استدلالی و منطقی بهره گرفته و به نتایجی چند دست یافته از جمله: ۱. آگاهی و اطلاعات در زمینه‌ی تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی مالایی‌ها جهت شکل‌دهی و قوام سرمایه انسانی و هویت جامعه اسلامی مالزی اجتناب‌ناپذیر است. ۲. ارتقای آگاهی و اطلاعات در این زمینه به مالزی، امکان شناسایی و کاربست تاریخ، فرهنگ و تمدن حقیقی مردم‌شان را می‌دهد. ۳. این اطلاعات جهت شکل‌دادن بیشتر به همبستگی اسلامی که به سنت‌های اسلامی نزدیک‌تر باشد، ضروری خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: مالزی، هویت، تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی.

۱. استادیار دانشگاه افسری و تربیت پلیس امام حسن مجتبی (ع) m.s.shiroody@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

گروه مطالعات عربی و تمدن اسلامی، از بخش‌های آموزشی دانشگاه بین‌المللی مالزی (IIUM) است که در سال ۱۳۶۲/۱۹۸۳ تأسیس شد. این گروه با ایستاک ((ISTAC یا مؤسسه‌ی بین‌المللی تمدن و اندیشه اسلامی همکاری نزدیکی دارد. ایستاک در ۱۳۶۶/۱۹۸۷ ایجاد گردید و به عنوان بخش پژوهشی IIUM در زمینه علوم و تمدن اسلامی و تربیت دانشجویان پژوهشگر فعالیت می‌کند؛ از این رو، نخستین بار به پیشنهاد ایستاک، درس تاریخ و تمدن اسلام در مالزی به دانشجویان (۱۳۷۲/۲۰۰۰) ارائه گردید.^۱ این درس، تغییریافته درس تاریخ اسلام بود که با هدف ایجاد پیوند بین گذشته دور و نزدیک مالزی از یک سو و پیوند بین آموزش و پژوهش در زمینه‌ی تاریخ و تمدن و فرهنگ اسلامی طراحی شد و به اجرا در آمد. این درس جدید مورد استقبال دانشجویان و مورد توجه گروه مطالعات عربی و تمدن اسلامی قرار می‌گیرد به دلیل آن که گروه از تربیت دانشجویانی که همزمان از اطلاعات تاریخی و تمدنی که به دوره‌های دورتر و نزدیک‌تر مربوط می‌شد، آگاه می‌شوند، نباید فراموش کرد که مدارس و دانشگاه‌ها در فرهنگ اسلامی مالزیایی، عبادت‌گاه‌های کوچک تلقی می‌شوند. (Shuhaimi)

(Bin Haji Shak and Chuah Abdullah, 2012: 62)

گروه مطالعات عربی و تمدن اسلامی، دارای کمیته مطالعات اسلامی است. این کمیته، امیدوار است که سرانجام دانشجویانی تربیت کند که هم در حوزه نظری و هم در حوزه پژوهشی، درک عمیقی از اسلام دارند و با این درک، قادرند جامعه اسلامی‌تری را بنیاد نهند زیرا دانشجویان تربیت شده از حس مسئولیت‌پذیری بیشتری بهره‌مندند و به دلیل برخورداری از عقاید دینی و فلسفه اسلامی، از توانایی تولید افکار و دانش‌های نو برای ساختن جامعه اسلامی در سطح مالزی و امت اسلامی در سطح فراتر از مالزی برخوردار خواهند شد. (اسپوزیتو، ۱۳۹۰: ۲۴۰)

درس تاریخ و تمدن اسلام در پرورش نسل جدیدی که از هویت و شخصیت مالزیایی-اسلامی بهره‌بالاتری داشته باشد، نقش مؤثری دارد زیرا از یک طرف، آنان را با تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی گذشته مالزی آگاه می‌کند که این امر موجب ارتقا حس خودباوری، افزایش عشق و وفاداری به مالزی می‌گردد و نسلی نو با هویت دینی قوی‌تر تربیت کند که می‌تواند در مقابل تهاجم فرهنگی گسترده غرب ایستادگی نماید (اسدی، ۱۳۷۴: ۲۸)؛ و از طرف دیگر، آگاهی از تاریخ، تمدن و فرهنگ گذشته برای حفظ

۱. از ۱ سپتامبر ۲۰۱۳ / ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ درس مطالعات اسلامی و تمدن آسپایی در تمام دانشگاه‌های دولتی و خصوصی مالزی اجباری شد.

دستاوردهای تمدنی امروز و نیز، برای ساختن قوی‌تر آینده ملت مالزی و ارائه سرمشقی موفق برای تمدن سازی اسلامی در بین مسلمانان مؤثر خواهد بود. (اسپوزیتو، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

پیشینه تحقیق

سوریانی در مقاله‌ی "The importance of learning islamic history and civilization of Malaysia in the building of human capital and identity of the muslim society in Malaysia" اهمیت یادگیری تاریخ و تمدن اسلامی در مالزی برای سرمایه انسانی اشاره می‌کند که در نوشتار حاضر از آن مقاله، استفاده شده است اما بین این دو، چند تفاوت وجود دارد: اولاً، مقاله حاضر پیوند محکم-تری بین گذشته و امروز مالزی ارائه می‌کند و ثانیاً از مدل مالزی، برای ارائه الگو مناسب جهت کشورهای مسلمان استفاده کرده است. به علاوه، بسط بومی مطالب حائز اهمیت است. کتاب "اتحادیه کشورهای وارث تمدن ایرانی" اثر حسین رمضانی خردمرزی کوشیده کوشش‌های صورت گرفته برای ترویج و گسترش اندیشه همگرایی منطقه‌ای حوزه فرهنگی بلادالعجم یا بلادالفرس (ایران) را در قالب آرمان تشکیل اتحادیه کشورهای وارث تمدن ایرانی (اکوتا)^۱ نشان دهد. کنفرانس تاریخ و تمدن اسلامی در مالزی که در ۹ تیر ۱۳۹۰ برگزار شد، به اسلام و تأثیر آن بر فرهنگ‌های محلی، هنر اسلامی در جوامع مختلف اسلامی، اسلام و فرهنگ‌های مختلف در طول تاریخ، اسلام و ملی‌گرایی و اقلیت‌های مسلمان اشاره دارد. (رمضانی، ۱۳۹۷: ۸۲) نیز، همایش بین‌المللی تفکر و تمدن اسلامی در مالزی که در ۲۷ مرداد ۱۳۹۳ برگزار شد، شرکت‌کنندگانی از الجزایر، بوتسونا، مصر، اندونزی، اردن، لبنان، نیجریه، عمان، پاکستان، عربستان سعودی، تانزانیا، امارات متحده عربی و یمن آن شرکت کردند و به موضوعات و مسائل مربوط به اسلام و مسلمانان پرداختند. همان‌طور، کنفرانس بین‌المللی مطالعات تمدن اسلامی در مالزی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ برگزار گردید که در آن، دانشمندان و محققان علوم اسلامی مقالات خود را در حوزه‌هایی چون «مطالعات اسلامی»، «تمدن اسلامی»، «اسلام معاصر و مسئله مسلمانان»، «روابط غیر مسلمان»، «تنوع در اسلام»، «افراط‌گرایی و تروریسم»، «فقه و مسائل زیست محیطی»، «جهانی شدن»، «یک‌پارچه سازی دانش»، «تاریخ روشنفکری»، «روابط ادیان» و «اسلام و اصالت» ارائه کردند. (رمضانی، ۱۳۹۷: ۹۳)

در اغلب آثار مذکور، رابطه مستقیمی با موضوع مقاله پیدا نمی‌کند به علاوه، هیچ کتابی در این مورد، به رشته تحریر در نیامده است. کتاب‌هایی هم وجود دارد که اشاره به تمدن حوزه مالایی دارند اما به اهمیت یادگیری تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی در ساختن هویت جامعه امروز مالزی نپرداخته‌اند. بررسی رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی مربوط به مالزی از جمله:

۱. پایان‌نامه‌ی ارشد بررسی نقش نخبگان در توسعه و نوسازی با تأکید بر تجربه مالزی اثر میثم مهرمتین و به راهنمایی احمد موثقی (۱۳۸۶)

۲. پایان‌نامه‌ی ارشد مقایسه تطبیقی دولت در توسعه اقتصادی ایران و مالزی اثر نجم الدین شیرخدایی به راهنمایی علیرضا سلطانی (۱۳۸۹)

۳. پایان‌نامه‌ی ارشد نقش تنوع فرهنگی در توسعه گردشگری، مطالعه موردی کشورهای ایران، انگلستان و مالزی اثر مهسا محمدی به راهنمایی مرتضی قلیچ (۱۳۹۹)

۴. پایان‌نامه‌ی ارشد مقایسه‌ی تطبیقی شاخصه‌های حکمرانی خوب در ایران و مالزی اثر داود محمدی به راهنمایی مرتضی شیرودی (۱۴۰۱) نشان می‌دهد تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی به طور عام و اهمیت یادگیری آن مورد توجه و مذاقه قرار نگرفته است.

اسلام تمدنی در تاریخ و فرهنگ مالزیایی‌ها

مسلمان بودن اکثریت مردم از ویژگی‌های مهم مالزی است؛ لذا آنان مایل نیستند تاریخ، تمدن و فرهنگ کشورشان از دریچه غیراسلامی و بدون توجه به تأثیر اسلام در گذشته و حال آن کشور دیده شود. در واقع، نسل فعلی مالزی نمی‌تواند حقیقت تمدن، فرهنگ و تاریخ گذشته خود را بدون سنجش تأثیر اسلام دریابد. اثرگذاری اسلام در قرون پیش مالزی، آنچنان قوی و مؤثر بود که نمی‌توان حضور اسلام را نادیده گرفت. این واقعیت، مؤید آن است که: تحقیق و بررسی تاریخ، فرهنگ و تمدن مالزی با در نظر گرفتن اسلام، برای مالزیی‌ها ضروری و حائز اهمیت فراوان است بنابراین، همه آنچه که در گذشته مالزی اتفاق افتاده و تا به امروز ادامه یافته و وضعیت فعلی مالزی را شکل داده، تنها باید با ملاحظه دو مؤلفه اسلام و مردم مسلمان صورت گیرد. چنین رویکردی در مطالعه و تحقیق از گذشته مالزی موجب جلوگیری از ابهامات و تحریفاتی که دشمنان دور و نزدیک مالزی ایجاد کرده و می‌کنند، خواهد شد و نیز، مانع از آسیب به غرور ملی به گذشته و مانع از انگیزه ملی برای حرکت و ساختن امروز و فردا می-

شود اما چگونه تاریخ، فرهنگ و تمدن مالزی قادر است موجب ارتقا روحیه ملی و تشدید میهن پرستی در این کشور گردد؟

براساس تجربه و یافته‌هایی که از مطالعه آثار مکتوب و شفاهی مستشرقین غربی به دست آمده، هرگاه تاریخ، تمدن و فرهنگ کشوری چون مالزی از دریچه بیگانگان نگریسته شود، اغلب برون‌داده‌های آن، منفی خواهد بود. البته گاهی غربیان، تعمداً در ارائه تصویری نادرست از گذشته مالزی ندارند اما به دلیل این که چنین گذشته‌ی عجین شده با اسلام را نمی‌فهمند، نمی‌توانند آن را به درستی نقل کنند اما مستشرقین و... چه عمداً و چه سهواً تصویر غلطی از گذشته مالزی ارائه کنند، در هر دو صورت، مانع از تأثیر منفی آن بر نسل جدید مالزی نمی‌شود. یکی از آثار این تأثیر منفی، باور غلط و پیروی کورکورانه نسل فعلی مالزی از یافته‌های بافته شده و اغلب منفی بیگانگان خواهد بود.

در آثار بسیاری از مستشرقین، غربیان و بیگانگان، نیاکان مالزی، تنبل، غارت‌گر و دزد دریایی، معرفی شده‌اند! مانند آن چیزی که در فیلم "دزدان دریایی مالزی (Pirates of Malaysia)" به کارگردانی اومیرتولنتسی ایتالیایی در سال ۱۹۶۴/۱۳۴۳ دیده‌ایم! آیا مالزیایی‌های جوان به چنین نیاکانی و به چنین گذشته‌ای افتخار می‌کنند یا خواهند کرد؟ نباید از دایره انصاف دور شد و بگوییم: همه آنچه را که مستشرقین گفته‌اند یا می‌گویند، غلط است! همان‌گونه که نمی‌توانیم همه آنچه را که مالزیایی‌ها از گذشته خود می‌گویند را درست بدانیم، بنابراین، تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی باید از دو دریچه‌ی داخلی و خارجی بررسی شود اما به طور طبیعی، آنچه که داخلی‌ها ابراز می‌کنند به واقعیت‌ها، نزدیک‌تر است از آن رو که به منابع درست‌تر دسترسی داشته و دارند و نیز، درک درست‌تری از فرهنگ و تاریخ و تمدن بومی و ملی و دینی دارند. به هر صورت، تفاوت‌های جدی و فراوانی بین این دو دیدگاه وجود دارد که مهم‌ترین آن، عبارت است از این‌که: بیشتر تاریخ، تمدن و فرهنگ گذشته مالزی، ساخته و پرداخته‌ی مسلمانان این کشور است لذا، سهم مسلمانان در هر نوشته و در هر قضاوتی که درباره‌ی گذشته مالزی صورت می‌گیرد، باید بیشتر از دیگر ادیان و مذاهب باشد. به همین دلیل است که بسیاری، گذشته مالزی را با یک روایت اسلامی ارائه می‌کنند.

البته نباید فراموش کنیم که باورهای مالزیایی تنها از اسلام نیست هرچند اسلام سهم بالایی در آن دارد بلکه این باورها ترکیبی از سنن ملی و بومی مالزیایی و ارزش‌ها و باورهای دینی و اسلامی است و نیز، گاهی باورهای دینی و اسلامی به بخشی از اعتقادات ملی و بومی و بلعکس آن، تبدیل شده‌اند که تشخیص آن، گاهی سخت و گاهی هم، راحت است لذا، مشاهده و مطالعه تاریخ، تمدن و فرهنگ

مالزی که اغلب دینی و اسلامی است و به قول نقیب العطاس کلمه تمدن از دین اخذ شده (Solihin, 2017: 1) با دوربین غیراسلامی بیگانگان، تصویری تیره و تار از حقیقت مالزی را منعکس می‌کند. به‌عنوان مثال، مخالفت مالزی با آزادی عمل انگلیسی‌ها جهت لغو سیستم اداره اراضی سنتی از این جمله است:

در سیستم اداره اراضی سنتی، مردم بدون پرداخت پول و بدون نیاز به کسب اجازه از جایی یا مقامی، می‌توانستند در جنگل‌ها بگردند و زمین‌ها را آباد کنند (Rachman, 2016: 64) اما سیستم اداره سنتی اراضی از سوی انگلیسی‌های حاکم بر مالزی، لغو گردید و آنان یک سیستم جدید استعماری را جایگزین کردند. برخی از مردم مالزی در مخالفت با این تغییر، دست به اعتراض زدند در حالی که بدون در نظر گرفتن سنن ملی و عقاید دینی، چنین تغییری می‌توانست مفید باشد و حتی می‌توانست یک اقدام معقول و منطقی تلقی گردد زیرا یک قانون جدید جای یک قانون منسوخ را می‌گرفت اما قانون اداره سنتی اراضی، از یک قدمت تاریخی برخوردار بود و مردم از دیرباز بدان اعتقاد داشته و به آن، عادت کرده بودند. (Phillips, 2017: 52)

انگلیسی‌ها اعتراض مردم را غیرعادی تلقی می‌کردند اما وقتی از دیدگاه مسلمانان مالزیایی به آن بنگریم درمی‌یابیم که مخالف مالزیایی‌ها عادی و برآمده از اعتقادات و رسومات دینی و ملی بوده است که توسط بیگانگان مورد تجاوز قرار گرفته بود لذا، باید از آن، در برابر اجانب دفاع کردند. چنانچه سیستم اداره اراضی سنتی را یک حق برای مردم مالزی بدانیم از یک سو آن را بخشی از تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی به شمار می‌آوریم و از سوی دیگر، مقابله با متجاوزان پرتغالی، هلندی، تایلندی یا انگلیسی را موجب افزایش روحیه از خودگذشتگی در نسلی فعلی می‌شود، حس احساس تعهد و مسئولیت را در آنان بالا می‌برد و آنان را برای فداکاری جهت ساختن بیشتر و با شکوه تر مالزی مهیا می‌کند، (Abdul Hamid, 2014: 32) لذا نقل جانفشانی‌های پیشینیان از دریچه و پنجره درست قادر است، حس پاسداری از سنت‌ها و ارزش‌های درست گذشته را تقویت کند به هر روی، توضیح و تشریح وظیفه‌ی جهاد اسلامی تضمین‌کننده این خواهد بود که نسل جدید، خود را آماده فداکاری و نثار جان خود برای کشور و دین می‌کند.

تجزیه و تحلیل تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی توسط خاورشناسان غربی که به دلیل برخورداری آنان از ابزارهای تبلیغ و نشر افکار و نوشته‌ها اغلب پذیرفته می‌شود، موجب شده است، واقعیت‌های تاریخی مالزی با شک و تردید عرضه و مواجه گردد. به واقع، حقایق تاریخ مالزی، پشت قضاوت‌های غلط و گاه

مغرضانه مستشرقین مانند: پیشرفت امروز مالزی، مدیون انتقال ارزش‌های غربی در دوران حاکمیت غرب بر مالزی است، (دانشنامه اسلامی، ۱۳۸۸: مالزی) مخفی شده از این رو، ضروری است علاوه بر تحلیل تاریخ مالزی با رویکرد اسلامی، این تاریخ دوباره و این بار با دیدگاه اسلامی نوشته شود تا حوادث و وقایع هم درست نقل شوند و هم تحلیل درست آن، به پرورش نسلی جدی و قوی امروز و فردا کمک نماید. تفسیر و تحلیل مجدد تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی مالزی هم می‌تواند آینده آن کشور را بسازد و هم آینده مالزیایی‌ها را به سمت کمال و تعالی سوق دهد، مشروط به این که داده‌های غلط گذشته مالزی مانند این که انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، مستشار مالایی‌ها بوده نه ارباب آنان، اصلاح گردد. (افضل‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۹) اما تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی فعلی مالزی با همه تحریفات وارده به آن، منبع الهام‌بخشی برای نسل امروز و فردای مالزی است اما چنانچه این گذشته به شکل واقعی و با چاشنی اسلامی اصلاح گردد، از قدرت و قوت بیشتری برای تمدن سازی برخوردار خواهد شد.

با تحقیق مختصر در گذشته مالزی، به وضوح می‌توان اسلام و نقش مؤثر مسلمانان را در آن دید. به-عنوان مثال: زمانی که جزیره پنانگ (Penang)^۱ به اشغال انگلیسی‌ها در آمد، مردم و سلطان آن متحمل زیان بسیاری شدند اما پس از آن که مسلمانان بر جزیره مسلط گشتند، جزیره پیشرفت‌های بسیاری را تجربه کرد. با این وصف، منابع تاریخی متأثر از افکار غربی‌ها، فاتح و حاکم جزیره، کاپیتان فرانسیس لایت را شخصی مثبت، سازنده و سلطان جزیره را شخصیتی مستبد و منفی معرفی کرده‌اند. (نور، ۲۰۱۹: بخش اسناد) در حقیقت، حقایق واقعی اشغال و پس از اشغال جزیره، مخفی نگاه داشته شده به آن دلیل که، همه جزئیات این حادثه را انگلیسی‌ها تحریر، تدوین و تبلیغ کرده‌اند (همان) از این رو، نباید تعجب کرد که انگلیسی‌ها در کتب و اسناد خود، فرانسیس لایت را فردی معرفی کنند و او را اولین فردی بدانند که وارد جزیره شد و نخستین فردی معرفی کنند که در جزیره، قانون وضع کرد در حالی که پیش‌تر از لایت، مالزیایی‌ها به مدت‌های طولانی در آن جزیره، ساکن بودند و یک نظام اجتماعی کاملی را در آن به‌وجود آورده بودند. (Hedayati-Marzbali, 2016: 58) واقعیت آن است که لایت جزیره را به نابودی کشاند لذا سلطان آن، با کمک مالزیایی‌ها و کولباس‌ها یا همان هندوهای ساکن جزیره، توانست جزیره را از انگلیسی‌ها پس بگیرد. سلطان با وعده استقلال به هندوها و بشارت به مسلمان‌ها (هرکسی

۱. جزیره پنانگ، بخشی از ایالت پنانگ در کرانه غربی شبه‌جزیره مالزی است که در ۱۲ اوت ۱۷۸۶ توسط کمپانی هند شرقی بریتانیا اشغال گردید.

در جزیره پنانگ بجنگد، خداوند و محمد (ص) به یاری او خواهد آمد.) به پیروزی علیه انگلیسی‌ها دست یافت. انگیزه هندوها کسب استقلال و اعتماد به وعده مسلمانان و انگیزه مسلمانان، جهاد در راه خدا بود.

واقعه مذکور مؤید فداکاری فی سبیل الله مردم مالزی در پاسداری از میراث گذشته چون جهاد در راه خدا و حب وطن و میهن است و البته این حادثه تنها یکی از صدها مورد مشابه است بنابراین، تاریخی که با اسلام عجین شده تنها از پنجره رویکرد اسلامی قابل نقل و درک است. در این صورت، حوادث گذشته بدون غرض‌ورزی و بدون خطاهای فاحش به امروز مالزی منتقل می‌شود و رازهای پنهان شده گذشته مالزی به این صورت کشف و برملا می‌گردد. با روش شدن واقعیت‌ها و با غبارروبی از وقایع قبلی، علاقه به گذشته پرشکوه و امیدها به آینده تقویت می‌گردد.

اسلام، سنت و مدرنیسم در مالزی؛ جدال دورویکرد تمدنی

در گذشته‌ی مالزی، اسلام به بخش عجین شده تاریخ، تمدن و فرهنگ آن کشور، تبدیل گردید به گونه‌ای که اسلام در همه‌ی آداب و رسوم مالزیایی‌ها نفوذ کرد و زندگی اجتماعی آنان را تحت تأثیر خود قرار داد. اتحاد و همبستگی بین آموزه‌های دینی و همه‌ی سنن ملی در تمامی زمینه‌ها اعم از عقاید، قوانین، روابط، حقوق و نظایر آن، مشهود بود از این رو، بدون هیچ شکی باید گفت: اسلام یک نقش اساسی در هویت سنتی مالزی را برعهده داشت. (نقیب زاده و صادقی، ۱۳۹۰: ۵۲؛ بابایی، ۱۳۹۳: ۴۲۳-۴۳۰) در حقیقت، اسلام چنان در تار و پود جامعه مالاکایی تأثیر گذاشت که اگر کسی مسلمان می‌گشت، گفته می‌شد او مالزیایی شده است با همه این اوصاف، تاریخ، تمدن و فرهنگ امروز مالزی به سمت سکولاریسم در حرکت است تا حدی که سکولاریسم به مهم‌ترین خطر برای تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی مالزی تبدیل گشته است. نخستین تأثیر رخنه سکولاریسم در مالزی آن است که، کشور مالزی را از گذشته اسلامی خود دور می‌سازد و نسل جوان مالزیایی را از عناصر هویت‌بخش و سازنده تاریخ آن کشور، محروم می‌کند.

گسترش فرهنگ غرب در مالزی، نسل کنونی را از تاریخ، فرهنگ و تمدن گذشته کشورشان بی‌اطلاع نگاه می‌دارد. شاید بهتر باشد بگوییم: با اطلاعات اندکی که جوانان مالزیایی از گذشته اسلامی خود دارند و نیز، با اطلاعات بیشتری که از فرهنگ و تمدن غرب دست یافته‌اند، در انتخاب هویت اسلامی یا هویت غربی متحیر مانده‌اند. (وهر، ۱۳۷۱: ۶۴) واقعیت آن است که نوعی زیاده‌روی در گرایش به

فرهنگ و تمدن لیبرالیستی دیده می‌شود که موجب تأثیرات منفی بر عرف و دین حاکم بر مالزی شده و حتی اجرای قوانین اسلامی را کند کرده و میل به انتخاب و اجرای سبک زندگی دینی را سست نموده است لذا، تنها با توجه به این واقعیت تلخ است که می‌توان تدابیر و راهبرد نیل به هویت مالزیایی یا اسلامی را به‌گونه‌ای برگزید تا سرمایه انسانی متکی بر هویت اسلامی را مجدداً در حدی تدارک دید که رشد و توسعه مالزی نه با استفاده از فرهنگ و تمدن غربی بلکه با بهره‌گیری از تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی تداوم یابد و بالنده‌تر گردد. (نقیب زاده و صادقی، ۱۳۹۰: ۸۵)

همان‌گونه که گذشت: اسلام یعنی مالزی و مالزی یعنی اسلام و این شعار یا این پیام، واقعیت اجتناب ناپذیر مالزی دیروز است و به همین جهت و علت، اگر از تاریخ‌شناسان مالزی بپرسیم: چه دوره‌ای از تاریخ مالاکا یا ^۱ pasay یا ^۲ Acheh و حتی ^۳ pattani بیشترین قرابت را با اسلام داشته‌اند؟ اغلب آنان، دوره‌هایی را برمی‌گزینند که گذشتگان‌شان اسلام و عقاید اسلامی را کامل پذیرفته و بدان با تمام وجود باور داشته و به آن، عمل کرده‌اند. (نوروزی فیروز و خاتمی نیا، ۱۳۹۲: ۶۲) بی‌علت نیست که برخی معتقدند: شکوهی که اسلام به مالزی بعد از پذیرش اسلام داد را باید چنان بزرگ کرد تا هیچ‌کس نتواند آن را نادیده بگیرد یا آن را از زندگی امروز مردم مالزی حذف کند اما چنین اقدامی کافی نیست بلکه به یک راعی یا امیر و یک حامی نیاز است که هم بتواند شکوه پیشین را به نسل امروز منتقل کند و هم به واسطه آن گذشته شکوهمند، حس غرور و میل به احیای آن را در فرد مالزیایی‌ها برانگیزد تا حدی که نه تنها این افراد، از مالزیایی مسلمان بودن خود فرار نکنند بلکه برای همیشه، با میل الگوی زیست مسلمانی را به فراخور اقتضای امروز جامعه مالزی انتخاب کنند. در این صورت، آنان همواره با رغبت و نیز با غرور و سربلندی به عنوان یک مسلمان به زندگی خود ادامه خواهد داد و به تاریخ، تمدن و فرهنگ خود فخر خواهد ورزید و هم این توانایی را می‌یابد که با اعتماد به نفس و با باور به خود و توانایی‌هایش قادر است از پیشینیان خود در امر توسعه و پیشرفت پیشی بگیرد. (نوروزی فیروز و خاتمی نیا، ۱۳۹۲: ۷۴)

چه زمانی مالزیایی‌ها به دین اسلام مشرف شدند؟ چه کس یا کسانی آنان را به دین اسلام رهنمون گشت؟ آن‌ها به چه شکل دین اسلام را پذیرفتند؟ پس از پذیرش اسلام، چه تغییراتی در آداب و رسوم-

۱. از اقوام چینی بودند که در برهه‌هایی از تاریخ مالایا بر آن مسلط بودند.

۲. سلطان نشین آنچه مالزیایی تبارند که در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی یک قدرت منطقه‌ای بزرگ بود.

۳. پتی‌ها، تایلندی بودند که با حمایت پرتغالی‌ها مدتی را بر مالایا سلطه یافتند.

شان، اتفاق افتاد؟ عقاید اسلامی با تکیه بر چه چیزهایی، موجب بروز و ظهور چنین تغییراتی در مالزی گردید؟ برای یافتن پاسخ این سئوالات و دیگر سئوالات مشابه، باید به عقب برگردیم و برآمدن اسلام در جهان مالزی‌ها و مالایی‌ها را مورد بررسی دقیق و عمیق قرار دهیم. این امر، به مجال بیشتر و به مقال دیگری نیاز دارد اما محققینی که در این زمینه پژوهش می‌کنند، نباید تنها بر چگونگی ورود اسلام که تاکنون مشخص نشده، تمرکز کنند بلکه باید برای نسل جدید مشخص نمایند که اسلام قرن‌ها در مالزی حضور فعال و مؤثر داشته است. این دسته از پژوهشگران باید دقت کافی داشته باشند که در بررسی حضور اسلام به نظریه‌های غربی اکتفا و یا استناد نکنند زیرا اغلب این نظریه‌ها غلط و گاه مغرضانه است و از این رو، بر روی تاریخ، فرهنگ و تمدن مالزی تأثیر نادرست برجای می‌گذارد.

(صادقی، ۱۳۹۳: ۳)

اسلامی که قدمتی دراز در مالزی دارد، از طریق تجار و بازرگانان مسلمان ایران و عرب آن هم در قرن اول هجری وارد مالزی شد به همین جهت، ضرورت دارد، مالزیایی‌های امروز و فردا، با شواهد ورود و بقای اسلام در مالزی و جنوب شرقی آسیا آشنا شوند از جمله باید بدانند که در مقبره‌های قدیمی منطقه کداح، سنگ قبر شیخ عبدالقادر آل یراح، لوح سنگی ابن سردان، درهم و شیشه‌های چراغ از بقایای دوران خلافت عباسی و کتیبه‌های اسلامی (اغلب سنگ قبرهای بر جای مانده) رحمان، اسفندیار، (۱۳۹۶: ۱۶) کشف شده است. کشف این شواهد از یک سو، حضور و وجود اسلام و مسلمانان را در مالزی، به یقین تبدیل می‌کند و از سوی دیگر، وجود رابطه بین ساکنان مالزی و خلافت عباسی یا لااقل وجود رابطه بین مالزیایی‌ها و تجار عرب مسلمان را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد. (Bentley, 1985: 78)

ضرورت مطالعه تاریخ ورود و گسترش اسلام در مالزی تنها برای درک و فهم مطالبی نیست که در این زمینه منتشر شده است بلکه علاوه بر آن، راست‌آزمایی و صحت‌سنجی مطالب نقل شده و تشخیص سره از ناسره نیز مد نظر است، به عنوان مثال: در متون تاریخی آمده که پادشاهی اسلامی مالزی Later "sullenate" در اواخر قرن چهاردهم میلادی پدید آمد و در قرن پانزدهم میلادی درخشید اما در متونی که جدیداً منتشر شده نشان داده می‌شود که این پادشاهی در ۱۲۶۲ میلادی تأسیس شده است. نکته مهمی که در این جا وجود دارد این است که اسلام قبل از قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی در مالزی بوده است لذا نمی‌توان با استناد کردن به یک پادشاهی اسلامی، ورود اسلام در مالزی را به آن گره زد و نقطه آغاز ورود اسلام را تنها به آغاز یک پادشاهی اسلامی مربوط دانست. این ادعا را اسناد باستانی

کشف شده مربوط به قرن دهم میلادی در منطقه کداح که در نزدیکی سوماترای شمالی قرار دارد، اثبات می‌کند. (Hedayati, 2012: 98)

دلیل دیگری که برای اثبات ادعای مذکور وجود دارد این است که: براساس مستندات تاریخی، گروهی از مسلمانان در قرن نهم میلادی به منظور فرار از آشوب‌های چین و با هدف دستیابی به زندگی بهتر و دسترسی به آرامش بیشتر، به سمت جنوب چین حرکت کردند و نهایتاً به منطقه کداح مالزی وارد شدند (رحمان و اسفندیار، ۱۳۹۶: ۱۲) البته کداح تنها منطقه و مکانی نبود که مسلمانان چینی به آن پناه برده‌اند بلکه پکن^۱ یا پوهانگ^۲ هم جزئی از این مناطق و اماکن بوده است. (امام، ۱۳۹۰: ۶۷) به علاوه، منشور حک شده بر روی سنگ‌های قدیمی که هم‌اینک در موزه کوالالامپور نگهداری می‌شود، نشان از یک جامعه اسلامی با دانش عمیق در قرون قبل از قرن نهم میلادی در مالزی است. قوانین و دستورات حک شده بر روی این سنگ‌ها، اسلامی است و نیز، اگرچه زبان مورد استفاده در سنگ نبشته‌ها مالایی است اما زبان به کار گرفته شده، پر از واژه‌های عربی و فارسی است که آن نیز، مؤید حضور بسیار قدیمی‌تر اسلام در مالزی است. (بابایی، ۱۳۹۳: ۴۲۷)

زبان مالایی با واژه‌های پر از عربی و فارسی، زبان حکومت‌های پیشین در مالزی بود مهم‌تر از آن، یک زبان نوشتاری اسلامی از قرن هشتم میلادی در مالزی ثبت شده که علاوه بر انتقال مفاهیم و معانی، از زیبایی خیره‌کننده برخوردار است. سنگ نوشته ترنگانو^۳ این زیبایی را به نمایش می‌گذارد.

مهارت کنده‌کاری حروف بر روی قطعه‌های سنگ نیز، شگفت‌انگیز است زیرا در فرآیند کنده‌کاری، سنگ‌ها شکاف برداشته و نشکسته‌اند که قطعاً این موضوع نشان از هوش بالای مسلمانان در انتخاب درست سنگ و نیز مؤید داشتن یک روش دقیق و مناسب در حکاکی بر روی سنگ‌ها بوده است اما آنچه در این مقاله مهم است این است که: این سنگ نوشته‌ها به عنوان سندهای تاریخی تردیدناپذیر تأیید می‌کنند: در مقاطع زمانی مختلف، سلسله‌های پادشاهی متعددی در مالزی به سلطنت و حکومت پرداخته و تمدن‌های باشکوهی را در پرتو آموزه‌های دینی و اسلامی ساخته‌اند یعنی این که: مسلمان بودن، داشتن حکومت و ساختن تمدن مبتنی بر دین، سه ویژگی مسلمانان مالزی از قرن نخست هجری تا به امروز است. ترکیب این سه ویژگی را می‌توان در آثار فیزیکی و مکتوب باقی‌مانده چنان به وضوح

1. pekan

2. Poyang

۳. ترنگانو معروف به دارالایمان ایالتی در کشور مالزی است. این ایالت بر ساحل شرقی شبه جزیره مالایا واقع است. بسیاری از زیباترین سواحل مالزی در این ایالت قرار دارند.

رصد کرد و دید که هیچ تردیدی را در ادعاهای مسلمانان مالزی باقی نمی‌گذارد. (شیرزادی، ۱۳۸۹:۱۷۰؛ طاهری، ۱۳۸۸:۸۵) افزون بر آن، قصه‌های تاریخی موجود، مملو از نشانه‌ها و پیام‌های اسلامی است. این قصه‌ها علاوه بر تأیید اسلامی بودن تاریخ، فرهنگ و تمدن مالزی، قادرند برای پرورش و ارتقا اعتماد به نفس، خودباوری و باور به توانایی‌های تاریخی مردم مسلمان مالزی مورد بهره‌برداری قرار گیرند که حاصل آن ایجاد نسلی خواهد بود که با روحیه مشارکتی و رقابتی برای روبرو شدن و عبور کردن از شرایط سخت و دشوار زندگی معاصر مهیا است.

اوج عظمت، شوکت و قدرت مسلمانان مالزی در قرن پانزدهم میلادی، اتفاق افتاد که در آن، حکمرانی اسلامی مالاکایی‌ها به مثابه حکومتی کم‌نظیر، توصیف می‌شود. در این دوره، مالاکایی‌ها به قدرت اصلی سیاسی و دریایی تنگه استراتژیک مالاکا تبدیل گشتند. بندر مالاکا به مرکز مهم تجاری بازرگانان دنیا تبدیل شد و این شهر به یکی از مراکز مطالعات اسلامی جهان درآمد تا حدی که از این شهر، دانش‌ها و علوم اسلامی به اقصی نقاط مالزی و کشورهای منطقه گسترش می‌یافت. این دستاوردهای بزرگ تأیید می‌کند که حکومت اسلامی مالزیی‌ها توسط رهبرانی فرهیخته، مردمی باهوش، قانون‌مند، سخت‌کوش و فعال راهبری و اداره می‌شده است اما این شهر بندری و نیز، حکومت اسلامی مالزیایی در ۱۵۱۱ میلادی توسط متجاوزین پرتغالی اشغال گردید. پرتغالی‌های اشغال‌گر پس از سلطه بر مالزی، مجذوب ثروت، قدرت و عظمت آن کشور شدند و زمانی تعجب‌شان بیشتر شد که دریافتند همه داشته‌های مالزیایی‌ها از اسلام است.

پرتغالی‌ها برای تحقیر مردم مسلمان مالزی و برای از بین بردن نشانه‌های افتخار مالزیایی، تمام اسناد فیزیکی یا مادی سلطنت اسلامی مالزی را از بین بردند. آلفونسو دی آلبوکرکی (Afonso de Albuquerque) -کاشف و دولتمرد پرتغالی- به دستور دولت و حکومت پرتغال همه اسنادی که نشان از اسلام در مالزی بود را نابود کرد به علاوه او به امر حکومت مرکزی پرتغال، زمینه تدوین تاریخ مالزی از دریچه پرتغالی‌ها را فراهم کرد و مستشرقین از این بستر برای تاریخ نویسی با رویکرد غربی در مالزی بهره‌ها بردند. هدف پرتغالی‌ها از نابودسازی اسناد اسلامی و نگارش دوباره تاریخ مالزی که در آن اثری از اسلام نباشد این بود که از یک سو، جلوی شورش‌های احتمالی مسلمانان را که می‌توانست با اطلاع و اعتقاد به گذشته قدرتمند اسلامی مالزی انجام پذیرد را بگیرند و از سوی دیگر، با دست‌کاری در تاریخ اسلامی مالزی و استحاله آن، نسل‌های بعدی مالزی را بدون هویت نگاه دارند تا کنترل و سلطه بر آنان

راحت‌تر صورت گیرد به همین جهت است که هم‌اینک اسناد بسیار کمی وجود دارد که شکوه سلطنت اسلامی مالزی در مالاکا^۱ را منعکس کند. (طاهری، ۱۳۸۸: ۸۹)

همه نشانه‌های توانگری، توانایی و کامیابی حکومت اسلامی سلطنتی مالاکا ناشی از اجرای دستورات و قوانین اسلامی است. این دستورات و قوانین از سو، در منابع اسلامی آمده و از سوی دیگر، در تاریخ دستبرد خورده مالزیایی‌ها، موجود است لذا جای تعجب نیست که بدانیم: تاجران در مالاکا از واحد اسلامی "بهارا" برای توزین طلا در خرید و فروش بهره می‌گرفتند اما به سرعت پرتغالی‌های اشغال‌گر، به خیلی از چیزهای بومی، ملی و دینی مالزی آسیب زدند و آن‌ها را نابود کردند اما چرا مالزیایی‌های مسلمان نتوانستند بر اشغال‌گران پرتغالی غلبه کنند؟ برخی در پاسخ به این سؤال گفته‌اند: سلطنت و کارگزاران حکومتی مالزی در زمانه اشغال کشورشان، از دستورات اسلامی و از قوانین شرعی فاصله گرفتند از این رو، خود را از رحمت خدا دور ساختند لذا، نتوانستند بر پرتغالی‌های استعمارگر پیروز شوند. (اسکندریان، ۱۳۸۳: ۸)

اگر این پاسخ یا این نظریه را بپذیریم به نوع دیگری به وجود مؤثر اسلام در مالزی رأی داده‌ایم زیرا: این پاسخ نشان می‌دهد که اسلام در مالزی با قوت و قدرت وجود داشته اما سلطنت از آن فاصله گرفت لذا گرفتار پرتغالی‌ها شد و در این گرفتاری، باقی ماند اما نمی‌توان از این نکته غفلت کرد که سلطنت مالزی بر پایه آموزه‌های دینی شکل گرفت و تداوم یافت و همین سلطنت بود که اسلام را وارد چرخه حکمرانی کرد، آن را به ادارات دولتی برد و مبنای اداره کشور را اسلام قرار داد. حکومت به کمک اسلام جامعه مالزیایی را هماهنگ نمود در حالی که نقش آموزش‌های غیر رسمی و غیر دولتی در نهادمندسازی اسلام در مدیریت کشور اندک است. بنابراین از هر زاویه‌ای به تاریخ گذشته مالزی نگریسته شود، اسلام قوی و برجسته در آن دیده می‌شود. نتیجه این که تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی بدون اسلام نه فهمیده می‌شود و نه قابل تفسیر است. در واقع، مالزی با ابزار اسلام و با رویکردهای اسلامی نقل پذیر خواهد بود. در این صورت است که واقعیت‌ها به دوره‌های جدید مالزی منتقل می‌گردد و این واقعیت‌ها، بنیان و اساس تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی جدید را رقم خواهد زد و قادر خواهد بود چون کاتالیزوری قوی، ناخالصی آموزه‌های غربی را از جامعه و حکومت مالزی بزداید و مانع نفوذ و رخنه بیشتر آن گردد.

حقیقت این است که بدون واقعیت‌های پیشین نمی‌توان واقعیت‌های اصیل پسین را ساخت. همان‌گونه که امروز مالزی، فردای آن شکل می‌دهد، بدون گذشته مالزیایی، هویتی برای امروز او باقی نمی‌ماند. نباید فراموش کرد که امروز و آینده بدون گذشته مالزی سرایی بیش نخواهد بود و همانند کفی بر روی آب، هر لحظه در معرض خطر سهمگین موج‌های مخرب است. این همان چیزی است که دانش آموزان، دانشجویان، مورخان و سایر مالزیایی‌ها بدان نیاز دارند تا خانه خود را بر روی آب بنا نکنند. شاید بتوان گفت: گذشته مالزیایی‌ها اخلاق و قواعد اخلاقی نیرومندی است که تمدن‌ساز است البته در هر گذشته‌ای، چیزهایی برای دور ریختن وجود دارد که باید از آن پرهیز کرد. گذشته را باید به‌گونه‌ای دید که از امور خوب و بد تشکیل شده آنچه مالزی امروز به آن نیاز دارد برداشتن محاسنات و ریختن رذایل گذشته است اما دستاوردهای نیک گذشته مالزی بیش از نتایج ناخرسند آن است. (وود، ۱۳۸۴: ۵۹)

تأثیر آموزه‌های اسلامی بر شکوه و قدرت‌یابی مالزیایی‌ها

سلطنت، دولت و حکومت مالزیایی، به فراتر از تنگه مالاکا یعنی به کل مجمع‌الجزایر مالزی گسترش یافت تنها به این علت که سلطنت مالزیایی با اسلام همراه شد و اسلام را به هویت جدایی ناپذیر خود تبدیل کرد و نیز، اسلام را به مثابه نماد، سمبل و همه وجود قدرت سلطنتی پذیرفت در حدی که هرچه در آن، دیده می‌شد، اسلام و شکوه برآمده از عقاید دینی بود. این شکوه تمدنی، محصول یک رابطه دوطرفه بود: از یک طرف، تاجران هندی، ایرانی و عربی مسلمان، اسلام را مرتب به مالاکا تزریق می‌کردند و از طرف دیگر، این تاجران، وفور نعمت آن را به سایر بلاد اسلامی و نیز به کشورهای خود می‌بردند. به علاوه، رفت و آمدهای مستمر تاجران غیربومی، رفته رفته گروهی از تاجران محلی را شکل داد که سهم فراوانی در شکل‌گیری تمدن بومی از طریق توسعه تجارت و اقتصاد ایفا کردند. (تشکینی، ۱۳۸۶: ۱۹)

بازرگانان مسلمان غیربومی به ویژه تجار هندی، پارچه‌های مرغوب و با کیفیت را به مالاکا می‌بردند. این امر از یک سو، موجب انتقال تکنولوژی پارچه‌بافی هندی به مالاکا گردید و از سوی دیگر، مالاکا را به یک مرکز اقتصادی مبادله پارچه تبدیل کرد که نتیجه آن، تبدیل مالاکا به مرکز تجاری منطقه بود. انباشت ثروت، موقعیت جغرافیایی در کنار زبان مالاکایی، همگی تحت تأثیر شدید اسلام و آموزه‌های دینی قرار داشت، هم مالاکا را به اوج تمدن رساند و هم سایر ناطق همجوار به تأثیر از آن در مدار تمدن قرار گرفتند.

در حقیقت، عامل اصلی که سلطنت و ملت مالاکا را قادر می‌ساخت که نفوذ و تأثیر تاریخ، فرهنگ و تمدن مالزی را افزایش دهند، نزدیکی آن با آموزه‌های اسلامی بود. تاثیرگذاری مالاکا در چنین شرایطی، تنها به رونق اقتصادی خلاصه نمی‌شد بلکه موسیقی، شعر و هنر اسلامی همزمان به افزایش رونق تجاری توسعه یافت. همه این حوادث تمدنی در همراهی دین و دولت اتفاق افتاد و این همراهی همان چیزی است که جامعه فعلی مالزی به آن برای دستیابی به رشد پایدار نیاز دارد. مالزی امروز با درس-گیری از دیروز خود نباید همه یا بخش اعظم رشد و توسعه اقتصادی خود را به بیرون یا به بیگانگان گره بزند که در این صورت، هم از تجربیات گذشته خود فاصله می‌گیرد و هم تمدن جدید خود را شالوده‌های لرزان غربی پایه‌گذاری خواهد کرد. (توکلی، ۱۳۸۴: ۷۹)

تلاش‌های دولت و ملت مالزی در اجرا و نهادینه کردن دین، نوعی قرابت و ترادفی را بین آموزه‌های اسلامی با سنت‌های مالزی پدید آورد تا حدی که جداسازی آن دو، نه تنها ممکن نبود بلکه موجب آسیب به تمدن مالزیایی می‌گردید. این هم درس دیگری از گذشته تمدنی مالزی برای نسل‌های فعلی است که تمایزی بین سنت‌های مالزیایی و آموزه‌های دینی قائل نشوند به آن دلیل که چنین تمایزی اساساً وجود نداشته است به هر روی، ما در گذشته مالزی تنها با یک سبک زندگی مواجه‌ایم که ماهیتی واحدی از تاریخ، تمدن و فرهنگ آن کشور ارائه می‌کند که در آن، سیاست، قانون و اقتصاد حتی موضوعات اجتماعی از مذهب جدا نیست.

از آثار و فواید یکه‌انگاری دین و دولت در مالزی گذشته آن است که می‌توان تأیید کرد: عقاید مذهبی به همراه ارتقای تمدنی مالزی، اعتبار و اهمیت نژاد و زبان را بالا برد. این موضوع نشان دهنده اهمیت ارتقا همزمان همه نشانه‌های توسعه است. به طور طبیعی و منطقی، رشد در یک زمینه موجب رشد در زمینه‌های دیگر می‌شود، مهم، حرکت اولیه است که اگر آغاز شود، کاروان توسعه و تمدن بر ریل تعبیه شده تا به آخر می‌رود و هرچه جلوتر که می‌رود، شعاع هم‌پوشانی و تاثیرگذاری آن در عمق، عرض و ارتفاع تمدنی افزایش می‌یابد بنابراین، مالزیایی امروز چون زمانه‌ای که در آن قوانین و سکه‌ها با اسلام گره خورده بود، باید به ضرورت سیطره اسلام بر همه اقدامات توسعه اقتصادی و اجتماعی صحنه بگذارد.

از موضوعات دیگری که باید در گذشته تمدنی مالزی مورد توجه امروز و فردا قرار بگیرد، عنایت به رابطه اسلام و دریا است. نگاه دینی به دریا به مثابه منبع آب و معدن غذا همواره مثبت است از این‌رو، کاربست آموزه‌های دینی، مالاکا را به یک مرکز فرماندهی و به یک مقر فرمانروایی دریایی مشهور و

معتبر محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرد به‌صورتی که استعمارگران و متجاوزین پرتغالی را از سرزمین‌های دور دست، به طمع فتح خود به مالزی کشاند. این موضوع بدان معنا است که مالزی یک زمانی به دلیل رویکردهای نظری و رفتارهای عملی اسلامی به قدرتی بزرگ جهانی تبدیل شد پس، بار دیگر امکان دستیابی به آقایی جهانی ممکن است در صورتی که همه چیز در چارچوب اسلام تعریف شود. (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۲۵) تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزیایی گواهی می‌دهد، نژاد مالزی، زمانی یک نژاد با رفتارهای خوب و اخلاق شرافتمندانه شناخته می‌شد و حتی مؤلفه‌های فرهنگی خوب دیگر مثل ادب با کودکان، مهربانی با پیران، کمک به مردم و... بخشی از هویت مالزیایی‌ها بود اما امروز، بسیاری از این صفات پسندیده یا از بین رفته‌اند یا بسیار کم رنگ شده‌اند زیرا: مردم امروز مالزی به ویژه جوانان به راحتی از فرهنگ‌های غیربومی تقلید می‌کنند و خود را در معرض انواع فسادهای اخلاقی قرار داده‌اند و حتی نسبت به توهین‌ها و بی‌حرمتی‌های مکرری که از سوی بیگانگان می‌بینند، بی‌تفاوت‌اند به آن دلیل که روز به روز بیش از دیروز از آموزه‌های اسلامی فاصله گرفته‌اند. (محمد، ۱۳۹۰: ۸۲)

مالزیایی‌ها، همانند دیگر ملل خاور دور، میانه و نزدیک، دارای تاریخ، تمدن و فرهنگ طولانی بوده‌اند. آنان قبل از ورود اسلام به مالزی تحت سیطره و حاکمیت هندوها قرار داشتند اما پس از ورود اسلام به آن کشور، بتدریج هم از دست هندوها خلاص شدند و هم به آقایی و مجدی باورنکردنی دست یافتند. (جعفری، ۱۳۸۴: ۵۰) این تغییر که در همه وجوه زندگی آنان روی داد، نقطه عطفی در گذشته مردمان مالزی است که همه آن‌ها در پرتو اتکا به مفهوم نظری و عملی توحید به مثابه ستون فقرات دین اسلام روی داد اما این تغییرات تدریجی در دوره سلطنت مالاکا در قرن پانزدهم میلادی سرعت یافت و در سلطنت "آچه" نیمه قرن هفدهم میلادی اوج گرفت. در این دوران طولانی، جامعه مالزی چنان سخت کار کرد که توانست آموزه‌های اسلامی را تا جزایر دور از مسیرهای تجاری مثل "ترنت" گسترش دهد. در واقع، مالزیایی‌ها در ترکیب کردن آموزه‌های دینی و سنت‌های مالاکایی به الگویی جدیدی در سبک زندگی دینی دست یافتند. (لاپیدوس، ۱۳۹۳: ۲۵۱)

اگرچه تلاش برای جاری کردن اسلام در جامعه مالزی صدها سال طول کشید اما حاصل آن، عجین شدن اسلام با زندگی جامعه مالزیایی بود البته اسلام نتوانست همه سنت‌های متأثر از "هندویسم"^۲

۱. آچه در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی یک قدرت منطقه‌ای بزرگ بود و پس از آن وارد یک دوره انحطاط طولانی مدت شد. پایتخت آچه کوتاراجا (باند آچه امروزی) بود.

بودائیسیم^۱-آتئیسم^۲ جاری و ساری در جامعه مالزی را به طور کامل، پاک کند اما اسلام به ستون خیمه جامعه مالزی تبدیل شد در حالی که پیش از این، مالزیایی‌ها تحت تأثیر باورهای قدیمی پر از خرافات و افسانه‌ها قرار داشتند. نقش برجسته در در زدودن عقای انحرافی با عالمان دینی بود، آنان با جدیت در ریشه کنی خرافات و افسانه‌ها به نتایج بزرگی دست یافتند و خرافه و افسانه‌زدایی را با نفوذ در جامعه و دولت انجام دادند. (logo,2013:11)

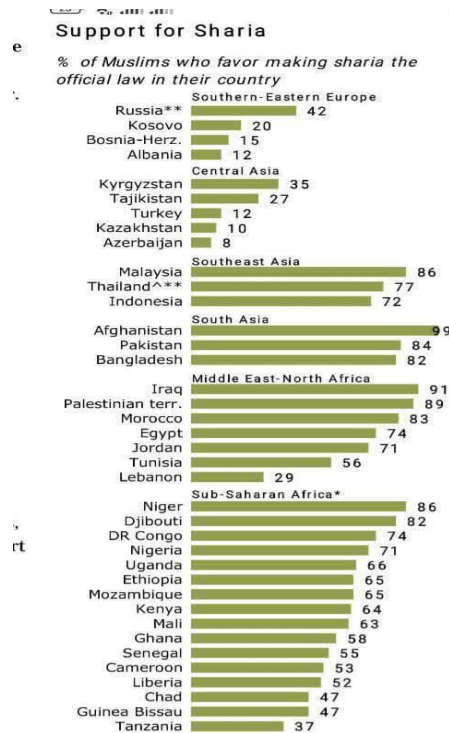
حکومت دینی در چارچوب پادشاهی اسلامی زمانی اتفاق افتاد که مردم، حاکمیت اسلامی و اسلامیت حاکمان را پذیرفتند، از این رو، جمهور مردم، مخالفتی با القابی چون امیرالمؤمنین برای حاکمان، ابراز نمی‌کردند زیرا: تقوا، اخلاص و صداقت نقش اساسی در اعتقادات دینی مردم داشت، از دیگر صفات مالزیایی‌ها، نهادینه کردن فرهنگ یادگیری است. آنان به سرعت اسلام را فراگرفتند و بتدریج آن را در زندگی سیاسی-اجتماعی خویش به کار بستند. بی‌تردید از عوامل رشد تمدنی مردم مالزی، نهادینه-سازی عنصر یادگیری در فرهنگ عمومی است. هر تمدنی در پروسه‌ای از داد و ستد علمی رشد می‌کند و هرچه وجه یادگیری جامعه‌ای بالاتر باشد، از رشد تمدنی بالاتری برخوردار خواهد شد. شرکت در موعظه‌خوانی‌های مذهبی و حضور در سخنرانی‌های آموزشی چه در خانه معلمان مذهبی چه در سالن-های نماز یا مساجد، یک سیستم آموزشی جدیدی برای ارتقا سطح دانش مردم پدید آورد. به‌طور خلاصه، اسلام زندگی را در جامعه مالزی از گهواره تا گور سازماندهی کرد، از این‌رو، اسلام به عنصر اصلی هویت‌ساز تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی تبدیل گردید و این تاریخی است که نسل کنونی باید بیش‌تر و عمیق‌تر آن را بداند و مهم‌تر از دانستن، باید آن را به کار بندد. (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۲)

عناصر سازنده تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی مالزی

علم و دانش تاریخی و آگاهی از گذشته، هم می‌تواند به ساختن انسان‌های امروز کمک کند و هم می‌تواند زمینه‌ی رستگاری او را در آخرت، فراهم نماید. در واقع، تاریخ، تمدن و فرهنگ پیشین هر ملتی و هر امتی، هم تمدن‌ساز و انسان‌ساز است و هم مخرب تمدن و انسان! اما بر پایه‌ی آموزه‌های دینی، انسانی که در این دنیا ساخته می‌شود، هم دنیا را می‌سازد و هم در آخرت، رستگار است.

تردیدی نیست که دانستن تاریخ، تمدن و فرهنگ، برای آموختن اخلاق، علم، دانش و تجربیات گذشته، برای زنده ماندن و زیست مطلوب انسانی، اجتناب‌ناپذیر است. در فرایند مطالعه گذشته، همانند آنچه علی بن ابی طالب (ع) (نامه ۳۱ نهج البلاغه) فرمودند: باید خوبی‌ها را برگزید و بدی‌ها را وا گذاشت در این صورت، گذشته آنچنان چراغ راه آینده می‌شود که حاصلی جز رشد، توسعه، پیشرفت و تمدن نخواهد داشت. بشر امروز، تنها با مطالعه عمیق و دقیق تاریخ، قادر است اشتباهات پیشینیان را دریابد و خود از ارتکاب آن اشتباهات بپرهیزد. چنین رویکردی، مقصد اغلب اندیشمندان جهان است و طبعاً اندیشمندان مالزی از آن مستثنا نیستند. (موسوی، ۱۳۷۸: ۶۵)

در حال حاضر، جوانان مالزی از یک سو به دلیل فقدان آگاهی از گذشته باشکوه خود و ناتوانی یا عدم رغبت به کار بست تجربیات پیشین و از سوی دیگر به دلیل هجوم اندیشه‌های و افزونی جاذبه‌های تمدن و تجدد غربی، دچار سردرگمی هویتی یا بحران هویت‌اند. (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۱: ۹۵) این سردرگمی کاملاً هویدا و آشکار است زیرا: براساس جدول زیر تعداد مسلمانان مالزی که خواهان شریعت هستند، بعد از افغانستان، عراق و فلسطین قرار دارند. مالزی در این زمینه، با نیجر در آفریقا برابر است.



*Data for all countries except Niger from "Tolerance and Tension: Islam and Christianity in Sub-Saharan Africa."

^Interviews conducted with Muslims in five southern provinces only.

**Question was modified to ask if sharia should be the law of the land in Muslim areas.

This question was not asked in Uzbekistan.

مردم مالزی تنها پس از آگاهی از گذشته تمدنی و مترقیانه خود، به مالزیایی بودن خویش، افتخار خواهند کرد. اگر آنان برخلاف اغلب نوشته‌های مستشرقان، بدانند و در دانسته‌های خود یقین پیدا کنند که نیاکان و اجدادشان بیکار-بی‌عا و تنبل-تن‌پرور نبوده‌اند، سخت‌کوشانه کار و تلاش خواهند کرد تا داشته‌های مالزی را حفظ کنند و نداشته‌های مالزی را تبدیل به داشته‌های جدید نمایند. همان‌گونه که گفته‌ایم: زمانی شکوه مجدد به مالزی برمی‌گردد که تک‌تک مالزیایی‌ها با همه وجود خویش، دریابند آنان به منزلت و کامیابی درخشانی در دوران فرمانروایی دریایی مالاکا دست یافته بودند. بی‌شک آموختن چنین تاریخ، تمدن و فرهنگی، میل به فداکاری برای میهن و وطن برمی‌انگیزاند.

دال مرکزی و هسته اصلی نوشتار حاضر، این است که اولاً: باید از دریچه‌ی اسلامی نه مستشرقانه به گذشته‌ی مالزی نگریست و آن را در این قالب، فهم کرد و ثانیاً: تنها با رویکرد اسلامی می‌توان امروز و فردای مالزی را ساخت زیرا: گذشته‌ی باشکوه مالزی با همین نگاه و رویکرد، ساخته شده است از این رو، پژوهشگران، باید حقایق تاریخی مالزیایی را آن‌گونه که هست، ارائه کنند، در این صورت، با حقایقی مواجه خواهیم شد که ترکیبی از حوادث تلخ-شیرین و درست و نادرست است. در واقع، عرضه‌ی پژوهش با نگاه منتقدانه به گذشته با فاصله‌گیری از تقلید کورکورانه، به ساخت انسان تمدن‌ساز که مناسب‌تر از انسان به غایت آرمان‌گرا و انسان به غایت واقع‌گرا است، شایسته‌تر است. (موسوی، ۱۳۷۸: ۸۳)

فهم تاریخ، تمدن و فرهنگ پیشین مالزی، نه تنها برای جوانان بلکه برای همه‌ی کسانی که نقشی در ساختن جامعه مالزی دارند، ضروری است. دانستن و فهمیدن گذشته، نه برای امتحان دادن، سرگرمی و تفریح، بلکه به‌عنوان منبع الهام‌بخشی برای عمل و اقدام، لازم است. در حقیقت، نباید سطح آموزش و سطح پرورش را به جوانان و مسئولان گره زد. درگیر کردن عملی و جدی همگان و همه‌ی بخش‌های عمومی و خصوصی کشور، برای رجوع به قبل و میل به بعد، اجتناب‌ناپذیر است و دانشجویانی که در این فرایند و در پروسه علم‌آموزی تاریخی از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند، باید توانایی ایفا هر نقش مؤثر، برای دستیابی به وضع بهتر را، برخوردار باشند و در این راه، تاریخ باشکوه گذشته‌ی مالزی را به‌عنوان مرجع اصلی تدوین و تنظیم سیاست یا حل مشکلات خود، قرار دهند. (حسن زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

مهم‌ترین نکته‌ی لازم برای دانستن مالزیایی‌ها، این است: همان‌گونه که اسلام، منزلت و جایگاه گذشته‌ی ملت مالزی را بالا برد، امروز هم او، از چنین قدرتی بهره‌مند است پس، به هر میزانی که از اسلام دور

شوند، از گذشته و آینده‌ی تمدنی خود، دور خواهند شد. (محمد، ۱۳۸۸: ۳۱) زمانی که نسل امروز، کاملاً به تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی مالزی واقف و متصل شود، در دستیابی به شایستگی‌های قوی‌تر و پرهیز از خطاهای گذشته، مصمم‌تر خواهد شد. تمدن گذشته‌ی مالزی با عقل، تدبیر، تلاش و مانند آن، ساخته شد لذا، اسلام برای نسل امروز و فردا، چون نسل‌های گذشته، رهنمودهای بسیاری برای ساختن یک زندگی خوب و الهی دارد. (بابایی، ۱۳۹۳: ۴۳۰) بنابراین، آنان تنها مجازند: تفاوت‌های اسلام آن دوره و امروز را کشف کنند، ولی نباید از اصل اسلام فاصله بگیرند یا به اسلام کم‌رنگ در زندگی خویش، اکتفا کنند و نیز، مکلف‌اند با خود، زمزمه کنند که استعمار، تمدن باشکوه مالزی را نابود کرد، استعماری که امروز با شکل و شمایل دیگری، مانع از تمدن‌سازی نوین مالزیایی است. (نیزبت، ۱۳۸۵: ۸۵)

نتیجه‌گیری

تاریخ فرهنگ و تمدنی که توسط مالزیایی‌ها پشت‌سر گذاشته شد، باید از دیدگاه اسلامی مورد واکاوی دقیق قرار گیرد چراکه بدون اسلام، شناختن چهره واقعی تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی قدیم ممکن نیست؛ زیرا تاریخ ثابت کرده است که اسلام در جامعه مالزی جایگاه مهم و اساسی داشته است. اسلام یک روش زندگی در جامعه مالزی و رکنی برای شکل‌گیری هویت مالزی که پر از رفتارهای خوب و اخلاقیات مفید است، را ارائه و نهادینه کرد. این باید به نسل کنونی تعلیم داده شود تا از یک سو، تاریخ، تمدن و فرهنگ مالزی مورد تحسین قرار گیرد و از سوی دیگر، برای ساخت اسلامی‌تر امروز جامعه مالزی به کار برده شود. آن‌ها نباید صرفاً از این موضوع مطلع شوند که اسلام زمانی مالزی را تا اوج افتخار بالا برد، بلکه باید از آن به‌عنوان الگویی برای پیشرفت و ساختن یک تمدن جدید مالزیایی استفاده کنند. هرچند مالزی امروز کشوری پیشرو و پیشرفته‌ای است اما باید بتواند این توسعه یافتگی یا تمدن جدید را حفظ و آن را در رنگ و بوی تاریخ، تمدن و فرهنگ پیشینیان خود توسعه دهد و برای نسل جدید با هویت اسلامی قوی و مصون از چالش‌های عصر امروز بکار بگیرند.

منابع

اسپوزیتو، جان آل؛ ا. وال، جان (۱۳۹۰). جنبش‌های اسلامی معاصر، ترجمه شجاع احمدوند، تهران، نشر نی.

اسدی مرتضی (۱۳۷۴). "نگاهی به تجربه توسعه مالزی"، مجله اقتصادی، دوره دوم، س ۱، ش ۳، صص ۳۱-۲۶.

اسکندریان، مهدی؛ سیمیاران، قاسم؛ سعیدکلاهی، حسن (۱۳۸۳). آشنایی با کشورها اسلامی ۲، تهران، ابرار معاصر.

افضل زاده، مصطفی (۱۴۰۱). "اقدامات و حشیانه استعماری در مالایا"، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ آذر قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/84973262>

امام، سیدجلال (۱۳۹۰). "قیام‌های مسلمانان چین در عصر دودمان چینگ"، مجله تاریخ اسلام، ش ۴، صص ۱۵۰-۱۲۵.

بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳). کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. تشکینی، احمد؛ عربانی، بهار (۱۳۸۶). تجربه برنامه ریزی توسعه در کشور مالزی، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی، گروه مطالعه قیمت گذاری و سیاست‌های حمایتی.

توکلی، محمد کاظم (۱۳۸۴). ماهاتیر محمد: معمار مالزی نوین، تهران، هزاره ققنوس. خلیلی، محسن؛ دانشمندی، رضا (۱۳۹۱). نگاهی به مدل دولت-ملت سازی در مالزی، "جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام"، ش ۱، صص ۱۲۴-۸۵.

جعفری، عباس (۱۳۸۴). گیتاشناسی کشورها، تهران، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی. حسن زاده، محمد؛ میرزا ابراهیمی، رضا (۱۳۸۶). استراتژی کاهش فقر: تجربه کشورهای شرق آسیا، تهران، موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.

رحمان، فائزه؛ اسفندیار، محمودرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۶). "تأثیر فرهنگ بومی بر تکوین فرهنگ و ادبیات مالایی در دوره اسلامی با تأکید بر مجمع الجزایر اندونزی"، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ش ۱، صص ۳۰-۹.

رمضانی خردمندی، حسین (۱۳۹۷). اتحادیه کشورهای وارث تمدن ایرانی، تهران، انتشارات فرهنگ صبا. شیرزادی، رضا (۱۳۸۹). "دولت و توسعه سیاسی در مالزی"، فصلنامه مطالعات سیاسی، س ۳، ش ۹، صص ۱۷۹-۱۵۳.

صادقی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۳). "انقلاب اسلامی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۲۵، صص ۳۶-۲۵.

طاهری، سید مهدی (۱۳۸۸). "تصوف در چین و دنیای مالایی"، مجله پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۱، صص ۱۴۱-۱۱۹.

لاپیدوس، ایرا. ام (۱۳۹۳). تاریخ جوامع اسلامی قرن نوزدهم و بیستم، ترجمه محسن مدیرشانه چی، مشهد، بنیاد.

محمد، ماهاتیر (۱۳۹۰). اسلام، دانش و مسائل بین المللی، ترجمه محمدرضا رضایی پور، تهران، رسا.

ماهاتیر، محمد (۱۳۸۸). جهانی که در آن به سر می بریم، ترجمه محسن پاک آئین، تهران، اطلاعات.

موسوی، سیدحسین (۱۳۷۸). مالزی از دیروز تا امروز، تهران، مسعی.

نقیب زاده، احمد؛ صادقی زاده سلمان (۱۳۹۰). "علل توسعه اقتصادی در آسیای جنوب شرقی"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۱، صص ۳۳۲-۳۴۷.

نور، فرانسیس (۲۰۱۹). "بخشی از اسناد مالایی" لندن، دانشگاه آکسفورد، دانشکده مطالعات شرق و آفریقا.

نوروزی فیروز، رسول؛ خاتمی نیا، فضا (۱۳۹۲). "گزارش کتاب اسلام تمدنی پلی میان سنت و تجدد"، آینه پژوهش، ش ۱۴۰، صص ۶۳-۶۱.

نیزبت، جان (۱۳۸۵). آسیا به کجا می رود؟ روندهای کلان در آسیا، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

ویر، ماکس (۱۳۷۱). اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، سمت.

وود، آلن (۱۳۸۴). دموکراسی های آسیایی، ترجمه زهرا زهرایی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

(Shuhaimi Bin Haji Shak, Mohd and Chuah Abdullah, Osman, "Islam and the malay)

world: Ah Insight into the Assimilation of Islamic Values, World journal of Islamic History and Civilization, N2, 2012.

Abdullah, A., Hedayati-Marzbali, M., Ramayah, T., Bahauddin, A., & Maghsoodi-Tilaki, M. J. (2016). Territorial functioning and fear of crime: Testing for mediation in structural equation modeling. Security Journal, 29(3), 461-484.

Bentley, I., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S., & Smith, G. (1985). Responsive environments: a manual for designers. London: Architectural Press.

Hedayati-Marzbali, M., Abdullah, A., Razak, N. A., & Maghsoodi-Tilaki, M. J. (2012). The relationship between socio-economic characteristics, victimization and CPTED principles: evidence from the MIMIC model. Crime, law and social change, 58(3), 351-371.

Lugo, Luis (2013). The World's Muslims: Religion, Politics and Society, Washington, pew research center.

Mohamad, Abdul Hamid(2014).“Implementation of Hudud in Brunei: Differences between Brunei and Malaysia”, Islam and Civilisational Renewal, Vol. 5, No. 2.

Phillips, Edward(2017). “The Codification Enterprise: Principled Law Reform and the Indian Penal Code”, Jersey and Guernsey Law Review, Issue 2.

Rachman, Taufik(2016).Can the Indonesian criminal justice system be enhanced by replacing the mandatory prosecution system with a discretionary one, like that used in Australia?, the degree of Doctor of Philosophy, Melbourne: Victoria University.

Solihin,Sohirin Mohammad,“integration of malay cultural identtty with Islamic religion,” journal of malay Islamic studies,vol 1, no 2, December 2017.